

خانواده معمولاً مرکب از پدر و مادر، فرزندان یا فرزندان است. هر گاه خانواده یکی از ارکان اصلی خود را از دست بدهد، یعنی پدر یا مادر، تقارن آن بهم می خورد و مسائل و مشکلات متعدد اقتصادی، فرهنگی، رفتاری و اجتماعی برای افراد آن خانواده به وجود می آید. در این بین در بیشتر خانواده ها آنچه که منجر به مسائل حاد و ریشه ای برای خانواده ها می شود، غیبت پدر و سرپرستی مادر برای خانواده است. مادر معمولاً در خانواده موجب تلطیف احساسات و عواطف فرزندان می شود. هماهنگی، همگامی، هم اندیشی پدر و مادر در یکپارچگی خانواده و شادمانی و سلامت جسمی و روانی افراد آن نقش تعیین کننده ای دارد. هر گاه پدر یا مادر به هر دلیلی از خانواده دور بمانند، مسائل و مشکلات عدیده ای برای فرزند یا فرزندان پیش خواهد آمد. غیبت پدر مسائل اقتصادی و مدیریتی و غیبت مادر مسائل و مشکلات روانی و عدم یکپارچگی خانواده را سبب می شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۱۸).

زنانی که به دلایلی به عنوان سرپرست خانواده هستند، مسائل و مشکلات بیشتری نسبت به مردان سرپرست خانوار دارند. علاوه بر محدودیت های مربوط به نبود مرد در این خانواده ها، محدودیت های مربوط به زنان برای حضور در اجتماع، محیط کاری متنوع، نداشتن فرصت کافی برای تربیت فرزندان، و غیره در این بحران تاثیرات مستقیمی دارند. عوامل اجتماعی، فرهنگی، اعتیاد و بی ثباتی اخلاقی و رفتاری مردان و غیره از جمله عواملی هستند که می توانند در جدایی زوجین و گسترش موضوع زنان سرپرست خانوار در دوران معاصر مطرح باشند.

بیان مساله

هر کشوری در راه توسعه تلاش می کند ولی در بیشتر مواقع در بحث های توسعه بیشتر توسعه اقتصادی و برنامه ریزی توسعه اقتصادی سخن به میان می آید. در حالی که پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است ولی تنها عامل نیست و توسعه پایدار نیز تنها پدیده ای اقتصادی نیست.

ارزش های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی یعنی توانمندسازی زنان و مردان در تامین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلالات طبقاتی در جامعه، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم نسبت به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جستجو کرد.

از این رو رویکرد جنسیتی در حوزه برنامه ریزی برای توسعه پایدار مطرح می شود و افزایش فرصت های عمومی برای نقش آفرینی و مشارکت زنان در برنامه ریزی های توسعه پایدار ضروری شمرده می شود. همچنین محرومیت زنان جامعه از دسترسی به فرصت های برابر، ناامنی اقتصادی، برای زنان، و به ویژه فقر می تواند توسعه یافتگی را تحت تاثیر قرار دهد.

از سوی دیگر، با توجه به مطالعات به عمل آمده در سطح جهان، مهمترین علل عمده در سرپرست شدن زنان برای خانواده عبارتند از: مهاجرت سرپرست مرد، طلاق، ترک خانواده، بیوه شدن، مادران نوجوان بدون همسر و شاید بیش از همه این باور که هر چه پیش آید، مسئولیت اداره و تامین فرزندان با مادران است. در این راستا، در ایران خانواده های زن سرپرست به علل زیر به این موقعیت رسیده اند: ۴۲٪ به علت از کار افتادگی همسران، ۳۶٪ به علت فوت همسر، ۸٪ به علت زندانی شدن همسر، ۷٪ به علت مفقود الاثر شدن همسر، ۴٪ به علت اعتیاد همسر، و ۳٪ به علت طلاق هستند (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ۴۳).

بنابراین، وضعیت زنان سرپرست خانوار به دنبال از دست دادن شریک زندگی وضعیت نابسامانی پیدا می کند. این وضعیت همواره با گذشت زمان و افزایش انتظارات فرزندان، سیر قهقرایی به خود می گیرد. از میان عوامل ذکر شده در موارد فوق، می توان از کار افتادگی همسران و نیز فوت همسران را مهمترین موارد در پیدایش و زنان سرپرست خانوار و دلیل عمده در گسترش رو به تزاید آن در سال های اخیر در جامعه دانست. پدیده ای که همچنان شاهد بحرانی تر شده آن هستیم.

عوامل خانوادگی و خشونت های خانوادگی و نبود بستر مناسب در خانواده پدری نیز می تواند در گسترش پدیده زنان سرپرست خانوار تاثیر مستقیمی داشته باشد. بیشتر زنانی که زندگی زناشویی و

مشتزک خود را از دست می دهند، به دلایل فرهنگی و اجتماعی، نمی توانند به کمک‌ها و تکیه گاه‌های خانواده خود بپردازند و مجبورند در شرایط نامناسب و سختی زندگی خود را ادامه دهند. این مهم در تشدید وضعیت زندگی آنها تاثیرات موثری داشته است.

✚ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

تنگناها و مسائل جامعه ابعاد فردی و اجتماعی می تواند داشته باشد. از سو، فرد دارای مشکلات و مسائل به زندگی شخصی خود لطمه می زند، و از سوی دیگر، در جامعه تاثیرات منفی و زیان باری بر جای می گذارد. چرا جامعه دارای روابط متقابل و کنش های متداوم و همبسته است. از اینجا می توان به ضرورت توجه به بحران ها و مسائل افراد جامعه به عنوان امری خطیر و مهم پی برد. یکی از مسائلی به دلایلی همواره از دید متولیان امر محروم مانده است، موضوع زنان سرپرست خانوار و مسائل و مشکلات آنها، علل بروز این پدیده و پیامدهای آن در خانواده و جامعه است. بنابراین، در این تحقیق سعی می شود به علل و عوامل موثر در گسترش دامنه زنان سرپرست خانوار در جامعه پرداخته شود. مساله ای که در جامعه ایران به شکل گسترده و فراگیر رخنمون پیدا کرده است و همواره شاهد افزایش تعداد آن در کشور هستیم.

✚ مروری بر ادبیات پژوهش

در زمینه موضوع مورد مطالعه تحقیق، یعنی وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران تحقیقات متعددی انجام شده است و هر یک به بررسی جنبه های خاصی از موضوع پرداخته اند. در زیر به بررسی چند مورد از آنها اقدام می شود.

- در تحقیقی توسط هادی قوامی در سال ۱۳۸۴ با عنوان « بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستموزد و حقوق بگیر در نقاط شهری ایران » به بررسی وضعیت خود اشتغالی زنان سرپرست خانوار و مقایسه آن با زنان حقوق بگیر پرداخته است.

نتایج حاصل از تحقیق مذکور بیان می‌دارد که احتمال خود اشتغالی زنان سرپرست خانوار در مقابله با هم‌تایان مزد و حقوق بگیر، در نقاط مختلف شهری ایران: ۱. با افزایش درآمد افزایش می‌یابد، ۲. در بین بیسوادان و افراد کمتر تحصیل کرده بیشتر است؛ همچنین در بین سرپرست خانوارهایی که از سطح تحصیلات بسیار بالایی برخوردارند نیز بیشتر است، ولی در میان گروه‌هایی که تحصیلات کاردانی و کارشناسی دارند نسبت به زنان دستمزد و حقوق بگیر کمتر است، ۳. با سن رابطه مثبت دارد، ۴. با وضعیت ازدواج سرپرست خانوار (بی همسر در اثر فوت همسر، طلاق گرفته و هرگز ازدواج نکرده) رابطه مثبت دارد، ۵. با تعداد اعضای خانوار رابطه مثبت دارد